

گریز از فقر

بیگارگاه‌ها در اقتصاد جهانی

بنجامین پاول

ترجمه علی حبیبی

۹	دبیاچه مترجم
۱۵	سپاسگزاری و قدردانی
۱۹	پیش‌گفتار
۲۳	فصل ۱: مقدمه
۳۲	یادداشت‌ها
۳۳	فصل ۲: جنبش ضدبیگارگاهی
۳۴	گسترش جنبش مبارزه با بیگارگاه‌ها
۴۵	نتیجه‌گیری
۴۷	پیوست: سایر گروه‌های مدافع جنبش ضدبیگارگاهی
۵۲	یادداشت‌ها
۵۵	فصل ۳: اقتصاد تعیین دستمزد در بیگارگاه‌ها
۵۶	دستمزدها چگونه تعیین می‌شوند؟
۵۸	پيامدهای اقتصادی تلاش اعضای جنبش ضدبیگارگاهی
۶۷	اتحادیه‌های کارگری و بیگارگاه‌ها
۷۰	نمایش کارکرد علم اقتصاد در عمل: مبارزه BJ&B
۷۲	مخالفت‌های اندیشمندان با بیگارگاه‌ها
۸۵	نتیجه‌گیری: اصلاح کتاب‌های درسی اقتصاد
۸۷	یادداشت‌ها
۹۱	فصل ۴: برایم گریه نکن، کتی لی: مقایسه دستمزد بیگارگاه‌ها با دیگر گزینه‌های شغلی
۹۲	مشاغل بیگارگاهی
۹۸	مقایسه دستمزد بیگارگاه‌ها با دیگر فعالیت‌های داخلی
۱۰۸	نتیجه‌گیری
۱۰۹	یادداشت‌ها

۲۱۳	فصل ۱۰: آنچه از دست اعضای جنبش ضدبیگارگاهی برمی آید
۲۱۴	به طور مشخص بر بهره‌کشی از کارگران متمرکز شوید
۲۱۶	محصول جهان سومی بخرید
۲۱۷	برندسازی اخلاقی
۲۲۲	تمرکز برنامه‌ها بر کودکان
۲۲۳	سرعت بخشیدن به فرایند توسعه
۲۳۲	کاهش محدودیت‌های مهاجرت
۲۳۶	نتیجه‌گیری
۲۳۸	یادداشت‌ها
۲۴۱	فصل ۱۱: سخن پایانی
۲۴۵	یادداشت‌ها

۱۱۱	فصل ۵: قوانین سلامت، ایمنی، و شرایط کار
۱۲۰	بررسی بیگارگاه‌های گواتمالا
۱۲۸	زیرپا گذاشتن قوانین کار محلی
۱۳۲	نتیجه‌گیری
۱۳۴	یادداشت‌ها
۱۳۷	فصل ۶: پشتیبانی از کودکان
۱۳۹	گزینه‌های شغلی پیش روی کودکان
۱۴۵	توسعه اقتصادی و کار کودکان
۱۵۲	نتیجه‌گیری
۱۵۳	یادداشت‌ها
۱۵۵	فصل ۷: آیا خرید محصولات تولیدی بیگارگاه‌ها اخلاقی است؟
۱۵۶	آیا بهره‌کشی اشتباه است؟
۱۶۰	پیشینه بی‌عدالتی
۱۶۶	آیا مبادله با کارگران، بیگارگاه‌ها را مسئول کمک به آن‌ها می‌کند؟
۱۶۹	نتیجه‌گیری
۱۷۲	یادداشت‌ها
۱۷۵	فصل ۸: پیشینه بیگارگاه‌ها، ۲۰۱۰-۱۷۸۰
۱۸۵	توسعه بیگارگاه‌ها در آسیای شرقی پس از جنگ جهانی دوم
۱۸۷	نقش قوانین ملی کار
۱۹۲	نتیجه‌گیری
۱۹۴	یادداشت‌ها
۱۹۷	فصل ۹: فرایند توسعه اقتصادی
۲۰۳	آزادی اقتصادی: محیطی برای کارآفرینی مولد
۲۰۸	مسابقه‌ای برای فروپاشی
۲۰۹	نتیجه‌گیری
۲۱۱	یادداشت‌ها

فصل ۱ مقدمه

آبیگیل مارتینز^۱ با خیاطی در یک کارخانه تولید پوشاک، در کشور السالوادور^۲، ساعتی ۵۵ سنت دستمزد می‌گیرد. وی روزانه تا هجده ساعت در اتاقی بدون تهویه مناسب کار می‌کند؛ در کارخانه‌ای که وی در آن شاغل است، آب آشامیدنی هم وجود ندارد. اگر آبیگیل به روسایش اعتراض کند، آن‌ها اجازه رفتن به دست‌شویی به او نمی‌دهند، یا اینکه مجبورش می‌کنند کار خود را بیرون از اتاق و زیر خورشید سوزان انجام دهد. شغل آبیگیل بسیار نفرت‌انگیز است. اما، بسیاری از اقتصاددان‌ها از وجود مشاغلی چون شغل آبیگیل در بیگارگاه‌ها دفاع می‌کنند. [۱]

«در دفاع از نیروی کار ارزان: شغل بد با دستمزد پایین، بهتر از این است که شغلی نداشته باشید.» آیا فقط یک مدافع بازار آزاد راست‌گرا از سرمایه‌داری جهانی است که می‌تواند مقاله‌ای با این عنوان وحشت‌آور بنویسد؟ پاسخ منفی است. کلمات بالا گفته‌های فردی با گرایشات چپ، یعنی پل کروگمن^۳، ستون‌نویس روزنامه نیویورک تایمز^۴ و برنده جایزه نوبل اقتصاد، است. [۲] کروگمن بر این باور است که، منتقدین نمی‌توانند هیچ جایگزین مناسبی برای بیگارگاه‌های جهان سوم پیدا کنند، و این بیگارگاه‌ها نسبت به مناطق روستایی فقیری که شهروندان این کشورها، در صورت نبود بیگارگاه‌ها، گرفتار آن می‌شوند، ارجحیت دارند.

کروگمن در این زمینه تنها نیست. پس از وقوع زمین‌لرزه ویران‌گر سال ۲۰۱۰ در هائیتی، «پل کولیر»^۱، نویسنده کتاب *شهروندان پست*^۲، گزارشی را برای سازمان ملل آماده کرد که در آن برنامه بازسازی هائیتی ارائه شده بود. [۳] توسعه صنعت پوشاک در هائیتی اصلی‌ترین پیشنهاد این گزارش بود. استدلال کولیر این بود که، «هائیتی دسترسی خوبی به بازارهای مهم دارد، و با توجه به فقر و بازار کار فراموش شده، هزینه پایین نیروی کار در این کشور امکان رقابت با چین را دارد.» در حقیقت، کولیر الگوی بیگارگاه‌ها را برای توسعه اقتصادی هائیتی طراحی کرده بود.

دستمزدها و شرایط کار در بیگارگاه‌های جهان سوم، در مقایسه با دستمزدها و شرایط کاری که من و بیشتر خوانندگان این کتاب به آن عادت داریم، بسیار وحشتناک به نظر می‌رسد. هر انسان همیده‌ای که شاهد کارگران فقیر شاغل در یک بیگارگاه باشد، آرزوی ایجاد شرایط بهتر برای آن‌ها خواهد کرد. اما پرسش این است که، چرا افرادی چون کروگمن، کولیر، و بسیاری از اقتصاددان‌های دیگر، با جهان‌بینی‌های متفاوت، از اشتغال بیگارگاه‌ها دفاع می‌کنند؟ دفاع این اقتصاددان‌ها از بیگارگاه‌ها به این دلیل است که این شیوه ایجاد اشتغال بهترین گزینه در دسترس برای کارگرانی است که در آن کار می‌کنند، و گسترش اشتغال بیگارگاه‌ها بخشی از فرایند توسعه است، که در نهایت می‌تواند منجر به دستمزدهای بالاتر و بهبود شرایط کار شود.

چرا می‌گوییم شرایط جایگزین‌های بیگارگاه‌ها بدتر است؟ در کامبوج، صدها نفر به جستجو میان مراکز انباشت زباله و گردآوری بطری‌های پلاستیکی، قوطی‌های فلزی، و تکه‌های غذا مشغولند. به گزارش «نیکلاس کریستوف»^۳ در روزنامه نیویورک تایمز، این‌ها چاندان^۴، یکی از شهروندان کامبوجی، در ازای این کار روزانه فقط ۷۵ سنت درآمد کسب می‌کند. برای او کار در یک کارگاه تولید پوشاک فقط با شش روز کار در هفته، آن هم در جایی سرپوشیده و در ازای ۲ دلار دستمزد در روز، به جای هفت روز کار دشوار زیر خورشید سوزان- آرزویی دست‌نیافتنی است.» [۴] دیگر

جایگزین‌های موجود بیگارگاه‌ها عبارتند از، کار در سطح حداقل معیشت در بخش کشاورزی، کار در دیگر بخش‌های غیررسمی اقتصاد، یا حتی تن‌فروشی.

فقر زائیده گسترش تجارت بین‌المللی در سال‌های اخیر نبوده است. تاریخ بشر آکنده از فقر است. در بیشتر مناطق جهان، در طول تاریخ بشر، افراد دارای درآمد اندک، ساعات کار طولانی، و امید به زندگی کوتاه بوده‌اند. فقر امری رایج بوده و متأسفانه هنوز هم برای بخش بزرگی از جمعیت جهان امری رایج است. اگرچه همه شهروندان کشورهای توسعه‌یافته جهان آرزوی پایان دادن به فقر را در سر می‌پروراند، اما فقر گسترده در مناطق روستایی جهان سوم موجب شکل‌گیری این احساس نشده است که عامل اصلی این فقر بیگارگاه‌ها بوده‌اند. [۵] مردم بیشتر به این دلیل از وجود بیگارگاه‌ها خشمگین می‌شوند که، کارگران فقیر به بهای نفع بردن ما جهان اولی‌ها زجر می‌کشند. متأسفانه، این عصبانیت ممکن است موجب شود مصرف‌کنندگان ثروتمند و دولت‌هایشان دست به اقداماتی بزنند که، اگرچه موجب کاهش احساس گناه آن‌ها می‌شود، با کاهش امکان کار کردن کارگران در بیگارگاه‌ها و انتقال آن‌ها به فعالیت‌های جایگزینی چون پرسه زدن در مراکز انباشت زباله، وضع‌شان را بدتر کند.

در این کتاب، دفاع فراگیری از بیگارگاه‌ها صورت گرفته است. من انکار نمی‌کنم که بیگارگاه‌ها دستمزدی بسیار کمتر از سطوح دستمزد در کشورهای توسعه‌یافته پرداخت می‌کنند. همچنین، منکر این هم نیستم که ساعات کار بیگارگاه‌ها اغلب بسیار طولانی و پیش‌بینی‌ناپذیر است، خطر مصدومیت هنگام کار بالاست، و شرایط عمومی کار هم بسیار ناسالم است. در بیگارگاه‌ها، گاه حتی زمان خوردن غذا و رفتن به دست‌شویی هم به کارگران داده نمی‌شود، به کارگران ناسزا گفته می‌شود، آن‌ها را مجبور به اضافه‌کار ناخواسته می‌کنند، و قوانین کار محلی هم زیر پا گذاشته می‌شود. اما، به‌رغم این شرایط ستمگرانه، بیگارگاه‌ها هنوز بهترین گزینه پیش روی کارگران هستند.

بیگارگاه‌هایی که با تهدید به اعمال خشونت، یا با استفاده از قدرت دولت، از کارگران خود بیگاری می‌کشند، یکی از انواع بیگارگاه‌هایی هستند که من